ــما در اجراهای تــان بــه ســبک قدید تارنوازی توجه ویژهای دارید. ایس در حالی ت که همواره در آثار تان به داشتن نگاهی نوبەموسىقى يران تاكىدكردەايد.اين دونگاه متفاوت حاصل چەمسالەاي است؟

... i

من موسیقی را از کودکی در هنرستان موسیقی آغاز کـردم، یعنــی قــرار گرفتن در یـک محیط نسردم، یعنی صرر ترس ریس ۔ ریے۔۔ ۔یقایی که چالش های متضادی در آن وجود ۔تواز آن جا که من به طور ذاتی اهل منطق، تفكر و أناليز كردن هستم، نمى تُوانستم همه چيز را راحت بپذيرم، درواقع مىخواستم اين تضادها را به راحت بیدیرم، دروانغ می خواسم، این نصادها را به شکلی، اخودم حل کنم، هنرستان موسیقی بر اساس مکتب علی نقی وزیری تاسیس شده بود. مکتب او نگاهی مدرن و غرب گرا به موسیقی ایرانی دارد. در این هنرستان بسسیاری از چهرههای مطرح کنونی موسیقی مثل حسین علیزاده،علی رهبری ودیگران درس می خواندنـد. ما در آنجا علاوه بر سازهای ر ای ی ایرانی، باید ســازهای غربی مثل پیانــوو کلارینت هم می واختیم این ســازها در ارکستر «وزیری» و به کار جا یک در در مرکز کار بعداز اوجایگزینش-آقای خالقی-وجودداشت و این اساتید نگرش ار کسترال و به اصطلاح نوینی به بوسیقی داشتند. علاوہ پر آن ہار مونی، کنتر بوان و سر سینی مسینی مربو بر ای مربوعی، مسر پول و سازشناسی هم جزو در سهای ما بود. در این میان شانس بزرگ مااین بود که استاد «شهنازی» هم آنجا بودند و ماردیف را بهصورت گوشی فرا می گرفتیم. طبیعی است که تضادهای بسیاری در آنجا وجود داشت و شما نگاه کنید که یک نوجوان باید خودش رادر چنین موقعیتی پیدامی کرد. علاوه بر همه اینها در آن زمان سبک «وازندگی رادیویی» هم وجود ر کار کی . داشت و برای مثال ناظم هنرستان میگفت: «چرا به این شــکل ســاز میزنی؟ برو و صدای ساز فلان وازنده , ادبو , ا گوش , کن تا نحوه صحیح سےاز ; در: را یادبگیری.» درواقع در حالی که شماباید فوگ باخ ا با پیانو می زدید، از آن طرف باید قطعات وزیری را سازهای غربی به همان اندازه سازهای ایرانی

درهنرستاننقشداشتند؟ حتى كسى كەويولن ياپيانومىنواخت،جايگاه بالاترىاز نوازندهاى داشت كهساز ايرانى مىزد.ما در ارکسترهاهم حضور داشتیم.به همین خاطر زمانی که من در سن ۱۸ سالگی که از هنرستان با بالاترین سطح ۲۰ – ۲۰ –فارغالتحصیل شدم و به دانشگاه رفتم، دیگر برای خودم نوازنده قابلسی بودم، یعنی هر چه ر پرتوار تار بودرا نواخته بودم، حتی سبک های رادیو راهم، به صورت گوشی تقلید کرده ومثل نوازندههای مطرح رادیو می زدم. وقتی به دانشـگاه رفتم، مثل دیگران دنبال شـغل و فعالیت بـودم و از آن طرف میخواستم موسیقی را ادامه دهم. به همین خاطر مراديورفتم،امتحاندادموبهعنوان سوليستقبول شدم.زمانی که جواب آزمون ها آمد، در س شده بود با بازسازیهایی که در رادیو انجام میشد. آقای (رضاقطبی»بهتاز گی رئیس رادیو و تلویزیون شده بود و ارکستر گلها را منحل کرده و دوباره از نوازندگان امتحان می گرفتند. آقای ناصری، آقای تجویدی و آقهای رحمتالله بدیعها ز من آزمون

شهروند بابک راحتی، نوازنده تار از جمله شاگردان نام آشنای استاد داریوش طلایی است. او سال های زیادی در کلاس های طلایی حضور داشته واز همین رُهگذر شُــيوه نوازندگی طّلابی را نَيکتر از بُسياری از نوازندگان و آهنگسازان می شناسد. روزنامه شهروند در گفتو گو با , احتی ، نظر ات او , ا در بار ه نگاه اســــتادش به معصو موبار حتی، سفرت و ۱۰ روباره معاه سمینس به موسیقی ایرانی و بداههنوازی در موسیقی ایرانی جویا شده و در ادامه به تاثیرات آکادمیک این نوع نگاه پرداخته

باتوجه به نوع نگرش آقای طلایی به موسی ایرانی، به نظر شما این نوع نگاه چه توفیقاتی به دست آورده است؟

و هم اجرا، هريک مجزا ومستقل از آثار ديگر است واين موضوع بسيار مهم است. ايشان، در مقام رديف دان و نگرش استاد طلایی به موسیقی ایرانی نگرش صرفالداعی و شخصی نیست. در نگرش ایشان، نگاه استادان شاخص و صاحب نظر موسیقی ایرانی همچون ميرزاحسينقلي، درويشخان، على اكبرخان شهنازي و عبدالله خان دوامي به طور زنده جريان دارد. برداشت هر بوسيقيدان إيراني از موسيقي كلاسيك إيراني ،بهعنوان حد درک و دانش خود و به عنوان کسی که مدت ها آثار ایشـــان را دنبال کرده ام در پاسخ به سؤال شما می توانم ـت كه بهروشــنی در آثــار و ایدههای . بن خصلتی اس ۔ بقایی جناب طلایی نیسز دیدہ می شسود، با این مۇسىيەيىلىم خىنامىلارى يىسر دىدەمى سوردابايى تقاوت كەنگرىش ايشان –افزون بر آموختىھاى سىنى تحليلى واكادمىك،جايگاھىمتقن ومودياقتەلست. علارەبراين، ايدەھاونظرىك جديدى در دو دوزەنظرو عى موسىقى، مىناسب دىرال گارامىيارھاى موسىقى · ریم از معادر کویژ گیهای اجرایی موسیقی ایشان، حتی برای تارنوازان حرفهای، بارها و بارها شنود كەبادقتى يىنظير اجراشدەاست در تك تك آثار ايشان کلاسیک ایرانی و همچنین شرایط اجتماعی حاضر، از جانب ایشان ارایه شده است که خود درخور تدقیق و مشهود است. در این آمار، فن بوارند فی مار با خاندر ظرفیت و قابلیت اجرایی، در شیوههای متفاوت، به کار رفته است.در ساز ایشان خبری از سادهسازی و استاندارد کردن محتواوفن بهنفع کمیت مخاطب نیست.مخاطب تحقيقي جداست. در واقع، نگرش استاد طُلايي در تداوم نگرش استادان گذشته و همچنین وسیعتر و جامعتر

بانظر به شيوه تار نوازي آقاي طلايي كه مبتنم على اكبر خان شهنازى وميرز احد بررديف اسـت، آیا می توان امیدوار بود این نـوع نگاه در حوزەجامعەشناسىموسىقى بااقبال مخاطب بە توسعەنزدىكشود؟

درست متوجه پرســش شما شده باشم، موضوع ِ درست متوجه پرســش شما شده باشم، موضوع ب شـــيوه نوازندگى و تأثير كمـــى و كيفى آن بر گر در س مخاطب مدنظُر است. پشتوُانەر ديفى در شيُوەنوازندگى ايشان بيشتر بررديف هاى ميرز إعبدالله ميرز احسينقلى و على اكبر خان و البته ر ديف آواز ي عبدالله خان دوامي ، اماروش و تكنيك بيان اين مطالب در تارنوازی ایشان که موضوع پرسش شماست، فراتر از حد دو یا ســه ردیفاست، همچنین پردازش، آرایش و خلق مطالب. نکته بسیار مهم دیگر این است که درباره ثار و نواخته های ایشان باید به صورت موردی صحبت

گفتوگوی «شهروند» با داریوش طلایی نوازنده نام آشنای تار طلایی:شهنازیدنیای ی به سمت من گشو د

> | تار ایرانی در طول این سال ها بزر گانی هم منچون سندین بنامی همچون داریوش طلای ند که موسسیقی ایرانی را سر و فریدون حافظی را از دست داد. با این وجود اسا تید بنامی همچ و دیگران در حوزه تدریس و اجرا کارهایی را انجام داده اند که موس ر چی را با این معالیت چندانی ندار دو بیشــتر وقت خود را روی گذاشته است. «شهروند» در این صفحه به بخش کوچکی از تلاش های ى برخــلاف کارهای پژوهشی، تدریس و تالیف گذان بت کردن با داریوش طلایی یکی از کارهایی است که می تواند مارا به شناخت یقی ایرانی نزدیک ترکند. شــرح این گفتو گو در ادامه مطلب آمده است. طلابہ رح اين گفد . ای او دربار ه موس

> > گر فتندواعلام کر دند که می توانو به عنوان سولیست در راديو فعاليت كنم. در فاصله كوتاهي مركز حفظ : به با حضور دکتر صفــوت و همچنین دکتر برومند تاسیس شده بود، این اســاتید در آن مرکز ل جديدي را آغاز كرده بودندو درباره اينكه هويت موسیقی ایرانی چیست، بحث می کردند که به نوعی دغدغههای من نیز به شمار می فت به همین خاطر باوجود آنكه حقوق راديو بسيار بالاتر بوداماز مآنى كه دكتر صفوت به مركز مشاده ادادند كه به مركز حفظ و اشاعه بروم، قبول كردم. ايشان پيشنهاد كردنددر اين مرکز مے توانید با استادان قدیمی کار کنید و به شما اتاق ووسایل ضبط میدهیم، درواقع به ایشان گفتم، هنوز میخواهم یادبگیرم و به همین خاطر به مرکز حفظ واشاعه رفتيم.

ايرانی را بش بودباز گشتی به سیستم نوازندگان قاجار و استادان ردیفدان انجام شــود، کسـانی که تــا آن زمان در مثال نوازندگی سهتار صبا فراموش شده بود یا مثلا اساتيدى مثل فروتن، هرمزى وعبدالله دوامى را نسی جزیک سری موسیقیدان قدیمی خواص و اهل رديف نمي، سناخت. من می ایس محیطی قرار کرفت محیطی قرار

مىسى غور كېتى غرى استعدادمدرموسىقىغربى، بارھابەمن پىشنھادشد كە آن گرفتھ من از ہمان زمان اعتقاد ر الدامه بدهم؛ اما وصل شدنم به موسيقى ايرانى و تارباشهنازی انجامشد. اگرچهبعدهاکسان دیگرو استادان دیگری راهم دیدم؛اما ____یدریراهمدیدم؛اما ارزششهنازیچیزدیگریبود

.... ا هر چه را که با تار می نوازی به اسم موسیقی ایرانی معرفی کنی، چون تار، یک ساز ایرانی است، بنابراین من هدفم را روی این مسأله گذاشتم تا زمانی که می شود، موسیقی

آن، كلكسيون اوكوراى فرانسه كه اولين كلكسيون موسيقى ملل بود صفحه من رابا نام جنگ موسيقى همان طور كهبه خاطر

در ساز آقای شهنازی وجود دارد کــه باعث شــده تاثیر اورادر لحن ساز ، گفته ها و نوشته های شماهم ببینیم[:] بخش شــخصي اش به اين شروع كردم؛ أكرچه اين ساً; ٫ا اما در عین حال نگاهی معمولی به

م و روی صفحات قدیمی کار کنم،

آن داشتم؛ ولي وقتى به كلاس أقاى شهنازي رفتم، ایشان دنیای دیگری برای من گشود که همه چیز عوض شدو رابطه من با تار و آقای شهنازی یک

استدر جايگاه موسيقيداني برجسته و آكادميک

اين موضوع بيار تباط باسوال قبلي شمانيا

انشد در كلاسُ درسَ برايمان بگوييد...

بشان است.

وه تدريس وسلوک شخصی آقای طلایی

تپذیری متقابل در برگزاری هر کلاس، چه در

نارد و نه موضوعی جز آن. صراحت بیان و دقت نظر در

بەنظر من، ايشان بين دانشجو يا هنر جوى

ت تفاوت عمدہ قابل ہستند واز اپن نظر

برای مثال با سـبک.های نوازندگی از استاد دوامی ودیگران آشناشوم البته در سن ۲۴ سالگی عضو هیأت علمی دانشگاه تهران شــدم، یکسال بعد از ايراني:تاروسەتارمنتشر كرد. در میان همه بـزرگان و قدمای موسیقی ایرانی، قدمای موسیقی ایرانی، شـماعلاقه خاصی به آقای شهنازی دارید. چه چیزی

فربي، بارها به من پيشنها د شد كه آن را ادامه بدهم؛ اماوصل شدنم به موسیقی ایرانی و تار با شهنازی انجام شـد.اگرچه بعدها کسـان دیگر و اسـتادان دیگری را هم دیدم؛ اما ارزش شهنازی چیز دیگری بود.او موسيقى را كامل و قوى مىدان جار معلم متبحري بود. من البته «عبدالحس ین می است (ی بر ۲۰۰۰ مرافی بر ۲۰۰۰ میت دارم؛ اما او درس نداده است و زود فوت شده است. آن طور نبوده که من بتوانم از حَضُورش استفاده کنم فقط محدود به آثار کمی بوده که از او باقی مانده و من روی آنها کار كردمام. على اكبر شهنازى اماميراث همين خانواده واين موسيقى رامنتقل كرده؛ ضمن اينكه من يك ارتباط حسي و موسيقايي بااو برقرار كردم و حالا وست دارم این را با دیگران تقب يم كرده و آن را اسانم.فكرمي كنم اومايەھاي درست موسيقى ايرانى رانشان دادەاست.

چیز عمیق و رمز آلود شد. اگر با آقای شهنازی آشنا

برسيم به موضوع پرمناقشــه و البته جالب بداههنوازی در موسیقی ایرانی... اولا باید بگویم بداهه در ذات موس

بود باین بدویچ بنامه در نام موسیعی مست. سیستم موسیقی مدال، مقامی و آوازهای ایرانی به موسيقے ماست.

نمی شدم، ممکن بود به سمت موسیقی های دیگر بروم؛ همان طور که به خاطر استعدادم در موسیقی خاصيتشان انعطاف يذير بودنشان اس لحاظ جمله های موسیقی، چه ریتم و متر ملودی بنابراين خواننده ونوازنده اين رادر شرايط مختلف با نعطفى اجرامى كننداين ذاتموه یکحالتمنعطفی اجرامیکنند.این ذاتموسیقی ایرانی است و اصلار وحش به همین است. در واقع اگر ر پرتوار ثابت به آن نگاه کنیم، چهار پنج بەدىرىز ئور بىغ بەلكەت ئىيچە چېدرىچە ئىيچەر تەمام مىڭسود، موسسىقى ايرانى يك ريرتوار ئابت نىيىت، يكسرى نمادھاى موسىقى است كەبايدىه اين نمادھا ھر بار يك روح تازە بدھيدو لباس تازەك تودرعين به تن آن کنید.این کار موزیسین است و خم ، بال ی ، بال کر کرد ، بال کر مان انجام می شود موسیقی هم همین است که در زمان انجام می شود و با نقاشی فرق دارد. شما یک نقاشی را در یک لحظه نگاه می کنید، موسیقی را باید گوش کنید تا ببینید چه می شـود. باید برای آن زمان گذاشت. موسیقی زندەواجراىبداھەھموارەيكىازمھمترين پايەھاى موسيقى مابوده است، به خصوص اينكه حالا تنها صدسال است كه دستگاه ضبط اختراع شده است و بيش از آييم ا پیش از آن همواره این طور بوده که موزیسینی اثری رامی نواخته و شما باید آن را گوش می دادید. هزاران سال این طور بوده است و در این میان تنها صد سالی ن که صفحه درست شـده، بنابراین بداهه جزو 1

این شکل است، یعنی شما یک الگوهایی دارید ک

چەاز

ww.shahrvand-newspaper.ir

تاثیری به درازای یک عمر **آتنا آل یاسین** دانشجوی د کترای

جواب آواز به یادماندنی این آلبوم در کنار در میان شاگردان استاد علی اکبرخان استاد محمدرضا شجریان تسلط ایشان را بر موسیقی دستگاهی ایران بیش از پیش ر ... ی شهنازی می توان سه نفر را به عنوان شاخص ترین آنها نام برد؛ حسین علیزاده، محمدرضالطفى و داريوش طلايى. در اين بين استاد حسين عليزاده و مرحوم استاد مایان ساخته است. همه این آثار که در بالابه آنهااشـــاره شــد، جدااز اهم موزش ويژوهش در موسيقى غشان دهنده بحمدرضا لطفى بيشتر تمركز وفعاليت بودراروی آهنگسازی واجرای موسیقی اجراو ارایه موسیقی در شناخت و نأثير يک موسيقيدان در طول عمر هنري گذاشتند، اما در مورد نام هنرمندی چون وست. با ذکر این نکته که نمی توان از کنار آموزشها و پژوهشهایی که استاد استاد داریوش طلایی، بیاختیار به یاد تأثيرات اين موسيقيدان در زمينه آموزش داریوش طلایی در موسیقی ایرانی انجام دادهاندو هر یک از این فعالیتها در اوضاع نابسامان موسيقى ايراني و در نبود اساتيد دیگر، غنیمت و خدمتی بر موسیقی به حساب می آید، ۴ گفت شایداگر امثال استاد طلایی با توجه به آموخته های دقیق و تجربیات مهمی ک در کنار اساتیدی همچون علی اکبرخان شـهنازی داشــتهاند بخش بیشــتری از انرژی و تمرکز خود را روی انتشار، ارایه و ساختموسیقیمی گذاشتندفضای امروز موسیقی بدین گونه نبود تا هر اثری بدون داشتر، بار امتر ها و استاندار دهای مناسب، ر شُود.البته قصدنگارنده این ن كەبگويداين آثار نبايداجازەانتشــار پيدا كنند امااگر در این اوضاع موسیقی ایرانی آثاری|زاساتیدموجهی چون|ستادطلایی با تلاش بیشتر شان در جهت همراهسازی سلیقه عموم مردم بانوع صحیح تر از موسیقی، منتشر می شد به خودی خود و با شکل گیری در ست تر سلیقه مخاطبان مواجهبوديم.

. نکته اشاره کنم که در فرهنگ ما (که من شخصا خودم را پایبند بُسیاری از شُئوُن اخلاقی آن میدانم) موضّوع «ستاد و شاگردی» بهطور سنتی دارای اخلاق و آداب خاص خوداست.در این حار جوب،اصولااستاداست که دارای شرایط لازم و کافی و در موقعیت اظهار نظر درباره شاگرد و هنرجویش است، نه بالعکس. آنچه من در این گفتوگوبیان کردم بیشتر از منظری بیرونی و بهعنوان یک شــنونده و ناظر پیگیر آرا و آثار ایشــان بود، در حد درکشخصی خودمونه چیزی بیش از آن.

زرگ به هن

كلاس ايشان كلاسي است رسمي با هدف مشخص. هنرجوباً توجه به موضوع دُرس از آزادی عمل و فکر برخوردار است و بنابر تجربه شخصی می توانم بگویم ایشان از معدود استادائی هســـتند که هیچوقت نظر و . فصی خودشــان را به هنرجو تجویز یا تحم مى كنند هنرجوى كلاس ايشان در هر زمينه مرتبط باموسیقی می توانداز ایشان مشورت بگیر دونظر واضح و صریح ایشان رابداند والبته این بدان معنانیست که الزاما نظر دلخواهو خوشايندخودر ايشنود. دريايان، بايد به اين

ری بهنظر شــماطلایی در حوزه آکادمیک چگونه کارنامهایاز خودبه جای گذاشتهاست؟ این موضوع بســیار مهمی اســت و برای رسیدن اسخی دقیق باید به مطالعه و بررسی عمیق پرداخ ىن صلاحيت پاســخگويى به اين پرســش را در خود ــنى و سابقە كار موسيا نمی توانم شــُخصادر جریان این موضوع بوده باشــم و يقى هم در اين رابطه نداشتهام، اما مي دانم ايشار در تمام سال هایی که در خارج از ایران (فرانسه و آمریکا) قامت داشــــتهاند، به دعوت دانشـــگاههای معتبر آنجا، فعاليت آكادميك وأموز شيى مداوم داشتهاند. درُ تمام سال هایی نیز که در ایران حضور داشتهاند در فضای آكادميك بهتدريس پرداختهاند فكرنمى كنم هيُچ كدام

نامیرات این موسیقانان در زمینه اموزش و فعالیت در حوزه تربیت نوازندگان، تدوین ردینه موسیقی ایران، مرور اتسار قدام بر گزاری کلاس های آموزشتی می افتیم این در حالی است که اگر جستوجوی کوتاهی در آثار منتشر شده از این هنرمند بر ترینی یا آثاری که در آنها همکاری داشته است یج ۱۰ روی می می می می ایند انجام دهیم، با موارد شــاخصی همچون «سایه روشن»، «کنسرتی دیگر»، «جنگ و صلح» یا نوازندگـــی در آلبوم «دودعود» ساخته مرحوم يرويز مشكاتيان مواجه یشـویم که هر یک در جایگاه خود اثر قابلتوجهی هستند. در آلبوم «سَایه روشين» نوازنده سيعي داشيته خارج از

رز ای از را به در این موسیقی ایرانی یک چارچوبهای رایج موسیقی ایرانی یک فضای بداهه و متفاوت را در طول اثر خود ـــــتگاه نوا و آواز ابوعطـــا تجربه کند والبته در این مسیر موفق نیز بوده است. استاد طلایی همچنین در آلبوم «جنگ و صلح» اجرای دقیق و پرداختی صحیح از آثاراستادخود «على كَبُرخان شهنازي»را به خوبي ارايه ميدهد و البته «دود عود» . یکیاز بهترین نوازندگیهای ایشان است.





اجراها به همین موضوع بداههنوازی و محدوده آزادی . . عملوانعطاف دربداهه نوازی بازمی گردد. برای مثال، در دورانی که ایشان در سنین کمتر از ۳۰ سالگی بوده ند، آثاری را ارایه کردهاند که تا حد زیادی مبتنی بر ردیف از استادان همنسل ايشان تااين حدوقت ودانش خود را ت و در همین دوران آثاری از ایشان موجود است که در فعالی بسیار باز تراز روایت ردیف و ارویکردی شخصی تر به بداهه نوازی اجرا شده است. نمونه ای از این آثار اجرایی است در دستگاه نوا که در آن دوران در صرف آموزش بهدانشجو يان دردانشگاه كرده باشند. اين موضوع نشانگر دغدغه و بهنوعي وظيفه شناسي ايشان دوره های بعدی تا به امروز در آثار و کنسرت های ایشان، که به صورت بداهه اجرا شــدهاند، مثال زد. در بر داشت دانشگاه و چه خارج از دانشگاه، برای ایشان بسیار مهم ین، از جایگاه شــــنوندهای پیگیـــر، نوعی تجربه گرایی بوده و هست. در دانشگاه، موضوع درس ایشان همواره دقیقاهمان چیزی است که به دانشجواعلام شده است کاهانه و پويا در دوران فعاليت هنري ايش ست. این ویژگی از نظر من مهم تر است از آنچه این روزها بەعنوان بداهەنوازى در مفهومى كليشــەلى جا اقتادەاست.درمور دموسيقى تلفيقى شخصانظر ايشان و وقت كلاس بهطور كامل به موضوع درس اختصاص ارزيابى فعاليت هنرجو يكى ديگر از ويژگى هادر تدريس رابهطور صريحجويانشدهام،اماباتوجهبهنمونههايى كه یدهام، میدانم از سال ها قبل به تجربهه ر ز ایشان شن معمولى وكسى كه بهطور خودجوش و پيگير مشتاق جرایی در این زمینه هم پرداختهاند که البته هیچیک یاد گېرې اسـ ر ایران منتشر یا اجرا نشده است. برای مثال، در سال اجرایی مُشترک داشستند با «کوشال داس»، موسیقیدان و نوازنده سیتار هندی که از طریق سایت . به در اختیار علاقهمندان قرار گرفت، اثری رخشان بااجرايي فوق العاده وفراتر از همنشيني صرف و موزیسین از دو جای دنیا که امروزه جایگزین مفهوم موریسین از دو جای دنیا که امروزه جایگزین مفهوم

ب رسیر این اجرا، ب تاهد گفتو گویی فرهنگی- موسیقایی است که بین دو موسیقیدان انقاق می افتید، دو موسیقیدان که هریک در درجه

ول بر فرهنگ خودشـــان اشـــراف دارند و در مرحله بعد فرهنگ موسیقایی مرحله بعد فرهنگ موسیقایی مقابل را نیز شناختهاند و ابزار بیانی و

۔۔۔۔ریسیہ از زمیان شیکل گیری مرکر حفظ واشیاعہ

ار رحیان سبیل میری هر در حقط واست عد موسیقی، تاکنون صحبتهای زیادی درباره این مرکز مطرح شــده است. به نظر شمایی کــدر آن مرکز حضـور داشــتید آیا حقیقتا مرکز حفظ و اُشَـاعه برای هویت بخشیدن به موسیقی ایرانی شکل گرفت؟

وطردكـردن وردمكتـب وزيرى و آنچە قى غربی موسیقی ایرانی بود، مطرح بود. درواقع قرار

كرد، چرا كه بخش عمده آثار ايشان، هم بهلحاظ محتوا

عمل كردهاند. از این رو، من دانش ردیفی ایشان را، چه

در نظر و چه در عمل، تنها یک وجه از وجوه متنوع آثار

کُه بخش قَابِ ل توجهی از آثار اجرایی ایشـــان در ایران منتشر نشده است و این مسأله باعث می شود بسیاری

از برداشتها درباره نوازندگی ایشان ناقص باشد. من در

بگویم که ساز استاد طلایی سازی است پیچیده و

و مداقه و عبور از عادت های شــنیداری به سبکی است

نامت و ببرر ر منعادی میشون متنوع نوازندگی تار

واقعى موسيقى ايشان، مخاطب موسيقى شناس است

نیست. در سراسر دوران فعالیت هنری ایشان، دغدغه

و تلاشی برای جذب مخاطب عام به چشم نمی خورد. با این حال، در آثار پر مخاطبی که ایشـــان گه گاه در آنها

شــر کت و همکاری داشـــتهاند (برای مثال آلبوم شب

سر ندو همداری دست.هداد ایرای مثل ایوم سب وصل بهمراه استاد شجریان کیفیت وزیبایی تارنوازی ایشان توجمه خاطب عامرانیز برمی انگیزد. باتوجه به سسال هایی که با ایشنان دمخور بوده اید، نظر آقای طلایی در مورد بداهم نوازی و

موسیقی تلفیقی را چطور ارزیابی می کنید؟ نظر هر استاد و موسیقیدان در آثارش متجلی است.

همانُطورُ كەاشــارەُ كردم، جَنابُ طُلایی آثار متنوعی ارایه كردەاند این تنوع از اولین آثار ضبطشدەاز ایشان

تابه حال مشهوداست. بخشیے از این تنوع و تفاوت در

طب موسیقیشناس، هیچگاه پرش

ت. در این آثار، فن نوازندگی تار با حداکثر

و دانش موسيقايي ايشان ميدانم. نكته ديگر اين اس

رديف، در آثار اجرايى خودبسيّار فراتر از اين حد

برای خودم مطـرح کر دم، این ىوسىيقى ايرانى را بشناسم و ن را تعريف كنم. نمىشود شــ

.. این ما که مسیاله با: گشت هویت به مور

بابک راحتی نوازنده جوان تار در گفتوگو با «شهروند» سازطلايي

ىرىمەسىرىمەن رىمەن رىمەن مىلىمە داشمىتم كە يك موسيقىدان بايد بەروز باشد؛ اما اين تعريف «بەروز بودن» بــراى من يک اداى روشـــنفكرى يا مسالەاى سطحی نیست، هیچوقت هم نبوده اسـت. اولین سوالی که بود که تا زمانی که می گویم موسیقیدان ایرانی هستم؛ باید